

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	سخن نخست.....
۲.....	محدودیت‌های تحریم ایران.....
۴.....	درس‌هایی از توسعه برنامه هسته‌ای ایران.....
۶.....	جنگ با ایران؛ تفکر در مورد مسائل مبهم.....
۸.....	در نظر گرفتن واقعیات ایران توسط آمریکا.....
۹.....	سکوت ایران در مقابل تهدید آمریکا به تحریم.....
۱۱.....	سیاست اوباما به شعله‌ور شدن آتش منجر می‌شود.....
۱۳.....	معامله هسته‌ای بی‌مایه ایران.....
۱۵.....	آماده ایران هسته‌ای باشیم.....
۱۷.....	زمان بمب ایران.....
۱۸.....	فقدان یک سیاست هماهنگ در قبال ایران.....
۲۰.....	تغییرات در سیاست هسته‌ای ایران.....
۲۱.....	ده گام جهت آزادی‌سازی ایران.....
۲۳.....	آدمک ترسو و رقابت دیپلماتیک ایران و آمریکا.....
۲۶.....	چه اقدامی باید در مورد ایران و کره شمالی انجام داد؟.....
۲۸.....	افسانه توازن ژئواستراتژیک مولن.....
۳۰.....	ایران و مذاکرات صلح خاورمیانه.....
۳۲.....	تعامل آمریکا و ایران در افغانستان.....

ماهنامه کاوش (۳۵)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۲۴۴

خردادماه ۱۳۸۹

دفتر: مطالعات سیاسی



ماهنامه کاوش (۳۵)

سخن نخست

یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین منظور، ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی، تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس، در شماره ۳۵ کاوش مقالاتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران و سایر موضوعات جدید و مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله قبول و تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاوش در همین حال جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادهای و انتقادات اندیشمندان محترم استفاده می‌کند.



عنوان: محدودیت‌های تحریم ایران^۱

نویسنده: ریچارد هاس

منبع: Council on Foreign Relations^۲

تحولات نیمه دوم ماه می حاوی دو خبر خوب و بد است. خبر خوب آنکه نهایتاً آمریکا و چهار قدرت هسته‌ای دیگر درباره پیش‌نویس قطعنامه جدید تحریم ایران موافقت کردند و خبر بد آنکه این تحریم‌های صوری، هیچ تأثیری بر رفتار و سیاست ایران نخواهد گذاشت. با این حال این بدان معنی نیست که این اقدام غرب بر ضد ایران کاملاً بی‌معنی است. رفتار اخیر ایران مبنی بر تلاش همه‌جانبه در تغییر دستور کار موضوع هسته‌ای خود از تحریم به تبادل اورانیم، بیانگر ناراحتی ایران از این مسیر است زیرا که با تحریم چهارم ایران توسط شورای امنیت، شاهد اقدام‌های هماهنگ برخی متحدین اروپایی در تحریم‌های دردناک‌تر علیه ایران - با تمرکز بر سپاه - و همچنین تحریم‌های قوی‌کنگره خواهیم بود. اما با این وجود، این تحریم‌ها موفقیتی در دستیابی به هدف تعریف‌شده خود مبنی بر تغییر رفتار هسته‌ای ایران نخواهد گذاشت. بنابراین، درحالی که نه ایران تغییر رفتار می‌دهد و نه احتمال تغییر رژیم ایران وجود دارد باید منتظر بود که در آینده پیش رو با یکی از این دو واقعیت روبرو شویم: تصمیم پرخطر و پرهزینه آمریکا یا اسرائیل برای ضربه نظامی پیش‌دستانه به تأسیسات هسته‌ای ایران و یا تصمیم پرخطر و پرهزینه آمریکا و اسرائیل برای

1. Richard Haass, "Iran: The Limits Of Sanctions", Council on Foreign Relations, 19 May 2010.

۲. «شورای روابط خارجی»، مهمترین نهاد سیاستگذاری در دستگاه سیاست خارجی آمریکا است.



زندگی با سلاح هسته‌ای ایران (یا چیزی نزدیک به آن) از طریق ترکیبی از اقدامات بازدارنده و تدافعی. اما به هر حال باید قبول کرد که وقتی به این نقطه رسیدیم، تنها به لحاظ استراتژیک یکی از این دو تصمیم گرفته شود.



عنوان: درس‌هایی از توسعه برنامه هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: پاتریک کلوسن

منبع: Washington Institute for Near East Policy^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی توافق اخیر تهران با ترکیه و برزیل در مورد برنامه هسته‌ای ایران پرداخته است. در ابتدای گزارش، نویسنده تأکید کرده است که توافق اخیر نشان می‌دهد که فشارها و تهدیدها علیه ایران، نتیجه‌بخش است زیرا که رهبران ایران تا قبل از جدی شدن تحریم‌های جامع علیه ایران، بر عدم تمکین از خواسته‌های غرب در قبال برنامه هسته‌ای خود تأکید می‌کردند این مسئله به‌گونه‌ای بود که حتی علی‌رغم اصرار و تلاش فراوان ترکیه برای موافقت ایران با مذاکره در مورد برنامه هسته‌ای‌اش، تا قبل از جدی شدن تحریم‌های غرب در شورای امنیت، از سوی ایران نادیده گرفته می‌شد. بنابراین تمایل ایران به توافق با ترکیه و برزیل نشان‌دهنده نگرانی ایران از اعمال تحریم‌های جامع از سوی شورای امنیت در مورد برنامه هسته‌ای آن است. در ادامه گزارش، نویسنده به بررسی توافق اخیر هسته‌ای ایران پرداخته و آن را طراحی یک برنامه جدید از سوی ایران به‌منظور خرید زمان دانسته است. از نظر نویسنده، مهمترین انتقادات توافق اخیر را می‌توان به شرح زیر برشمرد: ضرورت عملیاتی شدن توافق تنها پس از توافق مجدد با غرب، تداوم غنی‌سازی در ایران، امکان بازگشت اورانیوم در صورت درخواست ایران و احتمال

1. Patrick Clawson, "Lessons From Iran Nuclear Developments" The Washington Institute for Near East Policy, 19 May, 2010.

۲. «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» از مهمترین مؤسسات پژوهشی آمریکاست که در راستای منافع اسرائیل فعالیت می‌کند.



مخالفت هر لحظه ایران با توافق.

از سوی دیگر، ایران با اجرایی شدن توافق اخیر می‌تواند در مدت زمانی که تبادل سوخت صورت می‌گیرد، مجدداً ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیم با غنای کم تولید کند لذا این توافق تنها نوعی خرید زمان برای ایران و پیشرفت بسیار محدود در حل بحران برنامه هسته‌ای ایران است.

نویسنده در ادامه گزارش، به بررسی اقدامات ایران در قبال پرونده هسته‌ای آن پرداخته و تأکید کرده است که ایران از ابتدای طرح مسئله هسته‌ای‌اش در آژانس انرژی اتمی و شورای امنیت، به دنبال ایجاد اختلاف و شکاف میان غرب بوده و با کارت روسیه و چین به بازی در مقابل آمریکا و اروپا پرداخته است اما با افزایش احتمال همراهی آنان با غرب، هم‌اکنون، ایران به سمت برزیل و ترکیه متمایل شده تا مجدداً با ایجاد اختلاف در شورای امنیت و آژانس انرژی اتمی، زمان لازم را برای تداوم فعالیت هسته‌ای خود به دست آورد. بنابراین از نظر نویسنده، توافق هسته‌ای اخیر ایران با ترکیه و برزیل تنها تلاشی از سوی ایران برای خرید زمان و تداوم فعالیت‌های هسته‌ای آن است.



عنوان: جنگ با ایران؛ تفکر در مورد مسائل مبهم^۱

نویسنده: والتر راسل مید

منبع: Council on Foreign Relations^۲

نویسنده در این مقاله به ارزیابی امکان حمله آمریکا به ایران می‌پردازد. از نظر نویسنده، آمریکا دو جنگ ناتمام و منفور را در منطقه آغاز کرده و در این شرایط، آغاز حمله علیه ایران نمی‌تواند به معنای انهدام تمام تأسیسات هسته‌ای این کشور باشد، از این رو چنین جنگی توجیه نظامی نداشته و به لحاظ سیاسی نیز هزینه‌های زیادی به بار خواهد آورد. از سوی دیگر ایران فرصت‌های زیادی جهت اقدام متقابل و مقابله به مثل علیه مواضع آمریکا در منطقه دارد. این مسائل سبب می‌شود اوپاما مسئله حمله را کاملاً از دستور کار خارج کند. بنابراین اگرچه زندگی با ایران هسته‌ای خوشایند سبب ولی از آلترناتیوهای دیگر بهتر است.

نویسنده معتقد است علیرغم تمام مسائل فوق‌الذکر نباید تفکر راجع به حمله نظامی علیه ایران را کاملاً از ذهن دور ساخت. براساس نظرسنجی مؤسسه گالوپ ۶۱ درصد از آمریکایی‌ها، تقویت ایران را تهدید جدی قلمداد کرده‌اند در حالی که ۲۹ درصد نیز آن را مهم دانسته‌اند. با توجه به اینکه ۹۰ درصد مردم آمریکا ایران را تهدیدی برای خود می‌دانند، دولت اوپاما حتی اگر بخواهد نیز نمی‌تواند دشمنی با ایران را کنار بگذارد. بنابراین، اگرچه دولت آمریکا خواستار جنگ با ایران نیست اما مقامات ایرانی باید بدانند که آغاز حمله به نیروهای آمریکایی نه برای آنان و نه برای

1. Walter Russell Mead, "Thinking the Unthinkable: War With Iran", Council on Foreign Relations, May 2010.

۲. شورای روابط خارجی آمریکا مهمترین نهاد مؤثر در سیاستگذاری در سیاست خارجی آمریکا است.



آمریکا مطلوب نبوده و به منزله آغاز اقدامی افتخاری است. از سوی دیگر نباید به ایران اجازه داد فراموش کند که ایالات متحده تا چه اندازه نیرومند است تا اشتباهات گذشتگان را تکرار کند.



عنوان: در نظر گرفتن واقعیات ایران توسط آمریکا^۱

نویسنده: ریچارد هاس

منبع: Council on Foreign Relations

نویسنده این مقاله، رویکرد جدید رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا در مورد ایران را نکته مهمی در سیاست امنیت ملی آمریکا تلقی می‌کند. در واقع، رویکرد ابتدایی دولت اوپاما مذاکره با دولت ایران بود ولی این سیاست مورد استقبال ایران قرار نگرفت و پیشرفتی حاصل نشد از این رو آمریکا به دنبال تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران از سوی جامعه بین‌الملل است. در این راستا همراه ساختن چین روسیه نیازمند زمان بیشتری است. تحریم‌های جدید علیه ایران، مؤثرتر و متمرکز بر سپاه پاسداران بوده و به سرعت کشورهای همسور را جذب و جبهه مقاومت علیه ایران را تقویت می‌کند. اما واقعیت این است که این اقدامات باعث تغییر رفتار ایران نمی‌شود. در این شرایط، از نظر نویسنده، سه مجموعه از تحریم‌ها باید همزمان علیه ایران صورت پذیرد. اول، آمریکا باید اقدامات لازم جهت تقویت تحریم‌ها خصوصاً تحریم صادرات نفت ایران و واردات بنزین را تعقیب نماید. دوم آنکه آمریکا اقدامات نظامی لازم را در جهت تضعیف برنامه هسته‌ای ایران و دولت این کشور اتخاذ نماید. سوم آنکه ایالات متحده جایگزینی مناسب در مورد برنامه هسته‌ای ایران را مورد ارزیابی موافقان و مخالفان قرار دهد. سیاستی نظیر پذیرش قدرت هسته‌ای ایران همان‌گونه که در مورد کره شمالی صورت پذیرفت - در این حالت باید سیاست‌های بازدارنده لازم در منطقه اتخاذ شود و در هر مورد، امنیت منطقه‌ای و ثبات بازارهای انرژی لحاظ شود.

1. Richard Haass, "Gates's Welcome Take on Iran Realities", Council on Foreign Relations, 19 April, 2010.



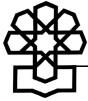
عنوان: سکوت ایران در مقابل تهدید آمریکا به تحریم^۱

منبع: Stratfor^۲

یک روز پس از انتشار اعلامیه تهران مبنی بر آمادگی سیاسی ایران برای تبادل سوخت، آمریکا با رد عملی این پیشنهاد ایران اعلام کرد که پیش‌نویس تحریم‌ها که مورد حمایت قدرت‌های بزرگ دیگر از جمله چین و روسیه می‌باشد آماده ارائه به شورای امنیت است. با این حال در شرایطی که معمولاً پاسخ ایران به این نوع تهدیدها، اتخاذ مواضع تند و تهدید به بستن تنگه هرمز بوده است اما این بار ایرانی‌ها سکوت معناداری کرده‌اند. تنها موضع‌گیری مقامات ایران در این رابطه مربوط به وزیر خارجه است که تأکید کرده است که «این تهدیدها را جدی نگیرید و این اقدام شانسی برای موفقیت ندارد». در واقع شاید بتوان گفت که ایران گزینه‌ای بهتر از این ندارد اما در عین حال باید متوجه بود که آمریکا نیز نیاز فوری‌ای به گشایش باب مذاکره با ایران دارد. آمریکا در آستانه خروج نظامی از عراق است و آینده امنیت این کشور و تضمین نقش سنی‌ها در حکومت عراق، مستلزم مدیریت رفتار دوستان حاکم ایران در دولت عراق است. همچنین اوضاع افغانستان هم به گونه‌ای است که رفتار ایران به شدت می‌تواند آن را متحول کند و موفقیت یا ناکامی استراتژی آمریکا را تعیین کند. در وضعیت فعلی، تحریم‌ها عملاً بی‌تأثیر هستند و توسل به اقدام نظامی نیز غیرممکن است. در عین حال ایران به نوسان تنش بین آمریکا و روسیه - از جمله در اقدام اخیر واشنگتن در استقرار موشک‌های پاتریوت در لهستان - توجه کافی دارد. به هر حال

1. "Iran: A Muted Response to the U.S. Sanctions Threat", Stratfor, 21 May, 2010.

۲. «استراتفور»، یکی از مهمترین پایگاه‌های تحلیل مسائل سیاست بین‌المللی است.



عرصه رقابت ایران و آمریکا بیانگر آن است که با توجه به پر بودن دست ایران برای هرگونه مذاکره احتمالی، تهران فعلاً تمایل ندارد با پاسخگویی‌ای متناسب با تهدیدهای آمریکا، چشم‌انداز مذاکره را از بین ببرد. اگرچه انجام مذاکره بین دوطرف همچنان در ابهام است اما ظاهراً ایران تلاش دارد که باب مذاکره از موضع قدرت با آمریکا را نبندد.



عنوان: سیاست اوباما به شعله‌ور شدن آتش منجر می‌شود^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: American Enterprise Institute^۲

اگرچه سیاست مهار و بازدارندگی دو گزینه مهم برای مقابله با اشاعه سلاح‌های هسته‌ای هستند اما کارآمدی این دو گزینه به‌عنوان یک اقدام جایگزین برای عملیات نظامی به‌منظور جلوگیری از دستیابی سایر کشورها به سلاح هسته‌ای تنها در حوزه نظریه‌پردازی آسان و عملی به‌نظر می‌رسد و در حوزه عمل با چالش‌های بسیاری مواجه است. این مسئله در مورد پرونده هسته‌ای ایران نیز صدق می‌کند چنانچه پیگیری سیاست مهار و بازدارندگی تنها سبب تشویق ایران به سیاست‌های تهاجمی شده است.

بنابراین تنها یک سیاست مهار و بازدارندگی که هزینه‌های بسیاری برای ایران داشته باشد می‌تواند مؤثر و کارآمد باشد. در این شرایط اگر اوباما عبور ایران از خطوط قرمز هسته‌ای را نادیده بگیرد این مسئله تنها به جرأت بیشتر ایران برای اقدامات تهاجمی منجر می‌شود. در این وضعیت نیز اقدام نظامی تنها یک گزینه متحمل و نه ممکن خواهد شد. نویسنده در ادامه گزارش به انتقاد از رویکرد واقع‌گرایانه در مورد کارآمدی سیاست مهار و بازدارندگی پرداخته و تأکید کرده است که اگرچه مهار و بازدارندگی در جنگ سرد مؤثر بود و از وقوع یک جنگ هسته‌ای جلوگیری

1. Michael Rubin, "Iran: Obama Pour Fuel On The Fire", American Enterprise Institute, 8 April, 2010.

۲. مؤسسه اینترپرایز از مؤسسات معتبر و نزدیک به گرایش نئومحافظه‌کاران آمریکاست.



کرد اما این مسئله در مورد ایران متفاوت است زیرا که در این کشور، جریان‌ات شبه‌نظامی‌ای وجود دارند که به عقلانیت حاکم بر رویکرد بازدارندگی توجهی ندارند لذا امکان کنترل آنان از طریق سیاست مهار و بازدارندگی وجود ندارد.

نویسنده در ادامه به ناکارآمدی سیاست‌های کلینتون و بوش در قبال پرونده هسته‌ای ایران اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که به‌کارگیری استراتژی بازدارندگی و مهار تنها در صورتی موفقیت‌آمیز است که به‌صورت بالقوه همراه با ابزار نظامی باشد و بر آمادگی اقدام نظامی در صورت ناکامی تعامل و بازدارندگی تأکید گردد.

نویسنده در پایان گزارش تأکید می‌کند که سیاست کنونی بازدارندگی و مهار اوباما در قبال ایران به تقویت سیاست‌های تهاجمی ایران منجر می‌شود. بنابراین در شرایط کنونی، سیاست اوباما تنها شعله‌ور شدن آتش را به‌دنبال دارد.



عنوان: معامله هسته‌ای بی‌مایه ایران^۱

نویسنده: مایکل لوی

منبع: Council on Foreign Relations

معامله هسته‌ای اخیر ایران با ترکیه و برزیل که ایران آن را به صورت عمومی اعلام کرده یک موضوع بسیار عجیب است که آمریکا و کشورهای اروپایی را دچار مشکل کرده است، زیرا که در طرح مبادله‌ای که اکتبر گذشته مورد حمایت غرب بود، کشورهای غربی به هیچ‌وجه خواهان حل مسئله هسته‌ای به صورتی که در آن ایران به دنبال حفظ ظرفیت غنی‌سازی خود باشد نبودند. در واقع هدف از طرح سال گذشته این بود که اولاً به مذاکرات دیپلماتیک تحرک ببخشد و ثانیاً اعتماد دوطرفه ایجاد کند. اما اعلامیه جدید تهران فقط مورد اول را پوشش می‌دهد ولی کمکی به اعتماد غرب به ایران نمی‌کند. این درحالی است که ایران به صراحت به ادامه غنی‌سازی ۲۰ درصدی خود ادامه می‌دهد و در واقع تلاش می‌کند با این اقدام، آمریکا را به عنوان طرف بد ماجرا نشان دهد. این معامله که مورد حمایت برزیل و ترکیه هم می‌باشد دور جدید تحریم‌های ایران را با مشکل مواجه می‌کند و همچنین بر مسیر کنونی بازنگری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای هم تأثیر می‌گذارد. زیرا که یکی از اهداف اصلی آمریکا و متحدینش در کنفرانس بازنگری ان.پی.تی این بوده است که باید از تجارت تکنولوژی‌های حساس با کشورهای بی‌مطمئن این پیمان شناخته نمی‌شوند جلوگیری شود این درحالی است که بند اول این اعلامیه هر نوع حقوق هسته‌ای را

1. Michael Levi, "Iran's Sketchy Uranium Deal", Council on Foreign Relations, 17 May, 2010.



برای ایران به رسمیت می‌شناسد. براین اساس، اگرچه نهایتاً بهترین گزینه برای آمریکا شاید این باشد که از اصل قبول ایده تبادل اورانیم توسط ایران استقبال کند اما نباید فراموش کرد که آنچه ایران براساس این اعلامیه آمادگی خود را برای همکاری در چارچوب آن اعلام کرده است، بسیار متفاوت از آن چیزی است که آمریکا در اکتبر سال گذشته می‌خواست.



عنوان: آماده ایران هسته‌ای باشیم^۱

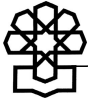
نویسنده: جان بولتن

منبع: American Enterprise Institute^۲

نویسنده به ناکافی بودن اقدامات آمریکا و جامعه بین‌المللی در قبال خطر هسته‌ای ایران می‌پردازد. به عقیده وی، مذاکرات در مورد چهارمین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران همچنان ادامه می‌یابد اما پیشنهاددهندگان تحریم به خوبی می‌دانند که نتیجه نهایی این اقدامات برنامه هسته‌ای ایران را محدود نمی‌سازد. روند بررسی تحریم‌ها در کنگره آمریکا نیز بسیار کند است و از سوی دیگر روسیه و چین با مسدود کردن دسترسی ایران به بازارهای مالی و قطع صادرات بنزین به این کشور مخالفند لذا اگر دولت آمریکا به شکل یک‌جانبه نیز این تحریم‌ها را اعمال کند، مورد بی‌توجهی دیگران خواهد بود. نویسنده معتقد است ادامه تلاش‌ها جهت تحریم ایران به جایی نمی‌رسد و تنها زمان کافی در اختیار ایران قرار خواهد داد. از سوی دیگر نویسنده سقوط و تضعیف حکومت ایران را غیرممکن می‌داند و نتیجه می‌گیرد که در مورد بحران هسته‌ای ایران با دو احتمال واقعی و نامطلوب روبرو هستیم. حالت اول دستیابی ایران به سلاح اتمی و حالت دوم حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران است که حداقل به طور موقت این برنامه را به تأخیر می‌اندازد. نویسنده تأکید می‌کند که بعید است دولت اوپاما از گزینه دوم استفاده کرده و یا از حمله اسرائیل حمایت کند. در این شرایط، با وجود آنکه دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مطلوب نیست ولی به نظر

1. John Bolton, "Get Ready For a Nuclear Iran", American Enterprise Institute, May, 2010.

۲. «مؤسسه اینترپرایز»، از مراکز پژوهشی مهم مرتبط با جریان نئومحافظه‌کار در آمریکا است.



می‌رسد که دولت آمریکا خود را برای وقوع چنین شرایطی آماده ساخته است. این مسئله سبب تغییر موازنه قوا در خاورمیانه و تقویت قدرت چانه‌زنی ایران خواهد شد. همچنین این مسئله سبب گسترش سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه خواهد شد و امکان در اختیار قرار گرفتن این سلاح‌ها به دست تروریست‌ها را فراهم خواهد کرد. نویسنده در چنین شرایطی امکان حمله اسرائیل را منطقی می‌داند و آن را سبب تقویت منافع ملی آمریکا و غرب قلمداد می‌کند. نویسنده معتقد است در غیر این صورت باید به ایران هسته‌ای در منطقه عادت کرد.



عنوان: زمان بمب ایران^۱

نویسنده: گرگ جونز

منبع: Non-Proliferation Policy Education Center

در مواضع اخیر مقامات سیاسی و دفاعی آمریکا معمولاً گفته می‌شود که زمان دستیابی ایران به بمب اتم بین سه تا پنج سال آینده خواهد بود اما به نظر می‌رسد این نگاه خوش‌بینانه است. درحالی که مقامات آمریکا مرتب بر وجود مشکلات فنی در سانتریفیوژهای ایران تأکید می‌کنند اما براساس گزارش‌های آژانس انرژی اتمی، نرخ تولید اورانیوم با غنای اندک ایران از ۵۲ کیلو در ماه به ۷۵ کیلو رسیده است. علاوه بر این، نگاه تاریخی به کشورهای که تسلیحات هسته‌ای دارند نشان می‌دهد که مشکل‌ترین بخش در تسلیح کشورها به سلاح هسته‌ای، همان بخش تولید مواد شکافت‌پذیر اعم از اورانیوم یا پلوتونیوم است که ایران بخش اعظم تمرکز خود را به آن اختصاص داده است. به نظر می‌رسد اگر ایران بتواند ۱۹۰۰ کیلو اورانیوم با غنای اندک تولید کند مواد لازم برای ایجاد اورانیوم با غنای بالا که نیاز یک بمب را تأمین کند تهیه می‌شود. در کنار این مسئله باید گفت که معمولاً عملیات کلاهک‌سازی در کنار غنی‌سازی ادامه دارد و آنها لزوماً از هم منفک نیستند. با توجه به این مسائل به نظر می‌رسد که زمان تخمین‌ها در مورد دستیابی ایران به بمب اتم را باید کمتر کرد و اگر این اعداد و ارقام درست باشند آنگاه این زمانبندی به هفت ماه یعنی اواسط نوامبر ۲۰۱۰ کاهش می‌یابد.

1. Greg Jones, "When Could Iran Have a Bomb", Non-Proliferation Policy Education Center, 27 April, 2010.

۲. «مرکز آموزش سیاست منع اشاعه»، از مراکز مطالعاتی فعال در حوزه مقابله با اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است.



عنوان: فقدان یک سیاست هماهنگ در قبال ایران^۱

منبع: The Jewish Institute For National Security Affairs

این مقاله به بررسی سیاست‌های آمریکا در قبال برنامه‌های هسته‌ای ایران پرداخته و از عدم وجود یک سیاست منسجم و هماهنگ در این زمینه انتقاد کرده است. در ابتدای گزارش، به نامه محرمانه وزیر دفاع آمریکا به مقامات عالی‌رتبه کاخ سفید و هشدار وی مبنی بر عدم وجود یک سیاست مؤثر بلندمدت در قبال ایران اشاره شده است که در آن تأکید شده که فقدان یک سیاست هماهنگ در قبال ایران، زمینه تداوم و فعالیت‌های هسته‌ای آن را به وجود آورده است. براساس این، آمریکا به سمت سیاست ممانعت در قبال ایران گام برداشته است. این مسئله در درجه اول متأثر از رویکرد اوباما در قبال ایران و تأکید وی بر تعامل با این کشور بوده است. این درحالی است که این تصور که ایران به دلیل این رویکرد اوباما حاضر به صرف نظر کردن از اهداف خود و توقف فعالیت‌های هسته‌ای می‌شود یک برداشت نادرست بوده است. در واقع از نظر ایران، گسترش اسلامگرایی رادیکال در منطقه و شکل‌گیری هژمونی ایران در خلیج فارس بسیار مهم‌تر و محتمل‌تر از تعامل و سازش آن با غرب است. براساس این، سیاست‌ها و تصورات اوباما در مورد تعامل با ایران نتیجه چندانی نداشته است. از سوی دیگر، انتظارات اوباما از جذب همکاری روسیه و چین در قبال برنامه هسته‌ای ایران نیز با این تصور که با تغییر رویکرد یک‌جانبه بوش در

1. "Lacking On Iran Policy, The White house Seeks Scapegoat", The Jewish Institute For National Security Affairs, Jinsa Report 980, 19 April, 2010.

۲. مؤسسه یهودی امور امنیت ملی از مؤسسات مهمی است که در راستای منافع اسرائیل ارزیابی تحولات خاورمیانه می‌پردازد.



سیاست خارجی آمریکا، امکان همکاری بیشتر میان آمریکا، چین و روسیه به وجود خواهد آمد نیز نادرست بود زیرا که برداشت اوباما از منافع آنان در قبال ایران نیز صحیح نبوده است.

در ادامه مقاله تأکید شده است که ناکارآمدی سیاست آمریکا در قبال ایران به دلیل نادیده انگاشته شدن گزینه تغییر رژیم صورت گرفت و در این زمینه هشدار وزیر دفاع آمریکا مبنی بر عدم وجود یک سیاست منسجم و هماهنگ در قبال ایران نیز یک هشدار کاملاً واقع‌گرایانه بوده است. در این شرایط، مخالفت واقعی اوباما با گزینه اقدام نظامی اسرائیل علیه ایران و اعمال فشار علیه اسرائیل برای حل مشکلات خود با اعراب، تنها مانع از انسجام و اتحاد در اتخاذ یک سایت هماهنگ به منظور توقف برنامه هسته‌ای ایران است.



عنوان: تغییرات در سیاست هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: فریده فرحی

منبع: Cfr^۲

اعلامیه تهران درباره آمادگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای مذاکره با گروه وین درباره تبادل اورانیم و حمایت گروه‌های مختلف سیاسی داخل ایران از این اقدام بیانگر آن است که علیرغم برخی تنش‌های سیاسی سال قبل در ایران - که منجر به ناکام ماندن مذاکرات اکتبر سال قبل با ۱+۵ شد- این بار از آشفتگی سال قبل خبری نیست و حتی اگر مشکل مشروعیت رژیم هم واقعیت داشته باشد اما در صحنه سیاست خارجی فعلاً تأثیرگذار نیست. در عین حال پاسخ منفی آمریکا به این اقدام تهران باعث تعجب بسیاری از سیاستمداران و کارشناسان سیاسی شده است چراکه تا هفته قبل از اعلامیه تهران، واشنگتن مرتب موضوع مبادله را به‌عنوان یکی از درخواست‌های خود از تهران مطرح می‌کرد و آن گزینه را روی میز داشت. اکنون به نظر می‌رسد که آمریکا دچار یک تناقض شده است به طوری که نمی‌داند که هدف آن در مقابل ایران، حل مسئله هسته‌ای است یا صرف تأکید بر فشار و مهار ایران. در دوره کنونی ظاهراً فشار بر ایران به خودی خود به یک هدف تبدیل شده است و از این جهت پیگیری قطعنامه تحریمی جدید علیه ایران مهمترین هدف سیاسی کنونی دولت اوباما است اما این اقدام صرفاً باعث عدم اعتماد بیشتر ایران به آمریکا می‌شود.

1. Farideh Farahi, "Shifts in Iran on Nuclear Policy", Council on Foreign Relations, 20 May, 2010.

۲. «شورای روابط خارجی»، از مراکز مهم پژوهشی و رکن مؤثر در سیاستگذاری خارجی آمریکا است.



عنوان: ده گام جهت آزادی‌سازی ایران^۱

منبع: Heritage Foundation^۲

نویسنده در مقاله خود، ده راه زیر برای آنچه «آزادی» ایران می‌خواند، پیشنهاد می‌کند:

۱. تحمیل و اجرای تحریم‌های سنگین‌تر بر حکومت و نهادهای خاص در ایران و نیز ممانعت از پرداخت وام و سرمایه‌گذاری در ایران و مخالفت از صدور ویزا به مقامات ایرانی،

۲. تحریم فروش بنزین به ایران،

۳. گسترش دیپلماسی عمومی علیه ایران در جهت افشای موارد نقض حقوق بشر

در ایران،

۴. تسهیل ارتباطات میان مخالفان حکومت ایران از طریق اینترنت و تکنولوژی

جدید،

۵. کمک به گروه‌های مخالف نظام در جهت تقویت آنها به شکل مالی و غیرمالی،

۶. جلوگیری از مداخله ایران در عراق و تقویت دولت عراق به‌عنوان نمونه‌ای از

دمکراسی در منطقه،

۷. انجام اقدامات پنهان در جهت بی‌اعتبارسازی حکومت ایران از طریق نهادهای

امنیتی و اطلاعاتی،

۸. تجهیز و نوسازی تأسیسات هسته‌ای آمریکا در جهت مقابله با دستاوردهای

1. "Ten Step to a Free Iran", Heritage, March 2010.

۲. بنیاد هریتیج از نهادهای مهم آمریکایی نزدیک به رویکرد نئومحافظه‌کاران آمریکاست.

هسته‌ای ایران،

۹. گسترش توانایی‌های نظامی آمریکا جهت دفاع از منافع این کشور و متحدان

آن در دنیا،

۱۰. استقرار سیستم دفاع جامع موشکی در خشکی، دریا و فضا جهت مقابله با

موشک‌های بالستیک ایران.





عنوان: آدمک ترسو و رقابت دیپلماتیک ایران و آمریکا^۱

نویسنده: دیوید ایگناتوس

منبع: Washington Post^۲

با در نظر گرفتن مسیر و طیف موضع‌گیری‌های تهران در قبال برنامه هسته‌ای آن، مانورهای تهران را به دشواری می‌توان «مذاکره» نامید. زیرا که پاییز سال گذشته در ژنو، ایران ابتدا طرح پیشنهادی غرب و آژانس را برای معاوضه سوخت هسته‌ای پذیرفت ولی بعد آن را رد کرد. اما چند روز پیش جمهوری اسلامی با میانجیگری برزیل و ترکیه به نسخه ضعیف‌تری از همان توافق جواب مثبت داد. مسلماً دولت ایران با پذیرش این توافق امیدوار بود که حداقل طرح پیش‌نویس جدید تحریم‌ها در شورای امنیت را به تأخیر بیاورد و دولت‌های میانجی - ترکیه و برزیل - نیز امید داشتند که با این توافق خود را رهبران جدیدی برای جنبش عدم تعهد جلوه دهند. اما طرح پیش‌نویس قطعنامه جدید در شورای امنیت توسط پنج عضو دائمی این نهاد نشان داد که ایران و میانجیگران توافق مرتکب یک اشتباه محاسبه جدی شده‌اند. البته قطعنامه جدید هم در صورت تصویب مثل قطعنامه‌های قبلی علیه ایران برنامه‌های هسته‌ای این کشور را متوقف نخواهد کرد. در این پیش‌نویس جدید تحریم‌هایی در زمینه انرژی و صادرات تسلیحات به ایران در نظر گرفته شده اما مکانیسم و روش‌های مشخصی برای اجرای این تحریم‌ها قید نشده است. البته آمریکا و متحدان

1 - David Ignatius, "A Diplomatic game of Chicken with Iran", Washington Post, May 20, 2010.

۲. «واشنگتن‌پست» از نشریات مهم و پرتیراژ آمریکایی است.



آن کشور با اتخاذ تصمیمات دیگری خواهند کوشید بر شدت این تحریم‌ها بیافزایند ولی حتی آن اقدامات جداگانه نیز مانع پیشرفت برنامه‌های هسته‌ای ایران نخواهند شد. اهمیت اتخاذ موضع واحد از سوی شورای امنیت در این است که ایران را به معامله و مذاکره مجبور خواهد ساخت. البته ایران می‌تواند مدعی شود که از حمایت دو عضو غیردائمی شورای امنیت یعنی ترکیه و برزیل برخوردار است ولی تهران به خوبی می‌داند که از دست دادن حمایت روسیه و چین موقعیت ایران را شکننده‌تر خواهد کرد و عدم پذیرش مذاکره به انزوای بیشتر آن کشور منجر خواهد شد. به نظر می‌رسد که از نگاه باراک اوباما ایجاد وحدت نظر در میان پنج عضو دائم شورای امنیت مهمتر از جزئیات این قطعنامه است و حوادث هفته اخیر نشان داد که این سیاست وی درست بوده است. پیش‌نویس قطعنامه جدید محصول هشت دور مذاکره باراک اوباما با رئیس‌جمهور روسیه و گفتگوهای دائم با دولت چین است. با نگاهی به مسیر موضع‌گیری‌های ایران در مذاکرات هسته‌ای یک سال گذشته می‌توان گفت که در عالم واقعیت، مانورهای تهران را به دشواری می‌توان «مذاکره» نامید. به گفته یک مقام ارشد دولت آمریکا در گام اول ایران باید با نمایندگان پنج عضو شورای امنیت و آلمان ملاقات کند تا جزئیات طرح ژنو مشخص‌تر شود. در عین حال ایران باید روند غنی‌سازی ۲۰ درصدی خود را متوقف کند. در حقیقت تأکید ایران بر حق خود برای غنی‌سازی ۲۰ درصد باعث شد که چین و روسیه از پیش‌نویس تحریم‌های جدید حمایت کنند. مشکل این روش طولانی و پر از وقفه در مذاکرات این است که گذشت زمان به نفع ایران و توسعه بیشتر برنامه‌های هسته‌ای آن کشور است. دولت ایران همواره با تغییر موضع خود از دادن پاسخ قطعی و تضمین‌های لازم شانه خالی کرده



است. به نظر می‌رسد که فقط زمانی این بازی به پایان خواهد رسید که ایران اعلام کند تمام عوامل، مواد و تکنولوژی لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای را دارد و بنابراین خود را یک قدرت هسته‌ای قلمداد کند. به یک دلیل ساده احتمال جلوگیری از این نتیجه نامطلوب اکنون بیشتر از هفته پیش است و آن اینکه وقتی موضوع جدی شد روسیه و چین از کمک به ایران امتناع کردند. این دو کشور با حمایت از پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت در کنار کشورهای قرار گرفتند که مخالف دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستند. دیوید ایگناتوس در پایان می‌نویسد: «در سال ۲۰۰۶ و پس از سفر به ایران من نوشتم که با نگاهی به ترافیک و شیوه رانندگی در تهران می‌شود شیوه مذاکره ایرانی‌ها را فهمید. در هر چهارراه راننده‌های تهرانی سعی می‌کنند از هر فرصتی استفاده کرده و سبقت بگیرند، آنها فقط در آخرین لحظات و برای پرهیز از تصادف حاضر هستند کمی کوتاه بیایند». این الگو درباره رقابت ایران و آمریکا هم قابل کاربرد است اما هنوز هم در مورد برنامه هسته‌ای ایران احتمال بروز تصادف، بحران جدی‌تر و وقوع فاجعه وجود دارد. ولی اقدام شورای امنیت برای کنترل ایران جای امیدواری است.



عنوان: چه اقدامی باید در مورد ایران و کره شمالی انجام داد؟^۱

نویسنده: پل ولفوویتز

منبع: Wall Street Journal^۲

با پایان جنگ سرد، خطر موشک‌های هسته‌ای آمریکا و شوروی کاهش یافت به‌گونه‌ای که آمریکا که در سال ۱۹۹۱ حدوداً ده هزار کلاهک هسته‌ای در اختیار داشت هم‌اکنون براساس موافقتنامه مسکو منعقد شده در سال ۲۰۰۲، تعداد کلاهک‌های هسته‌ای خود را به دو هزار کاهش داده است و مذاکرات برای کاهش بیشتر آنان نیز جریان دارد اما با این وجود آنچه که در مورد سلاح‌های هسته‌ای به نسبت جنگ سرد در حال وقوع است دستیابی دولت‌های بی‌مسئولیت یا تروریست به سلاح‌های هسته‌ای است که امکان بازداشتن آنان هرگز وجود ندارد.

بنابراین در این شرایط، سخنان اوپاما در مورد جهان‌عاری از سلاح هسته‌ای نادیده انگاشتن اقدامات کشورهایمانند ایران و کره شمالی است. در واقع اگرچه احتمالات و امیدهایی نسبت به کاهش تسلیحات هسته‌ای آمریکا و روسیه همچنان وجود دارد اما توقف فعالیت‌های هسته‌ای کشورهایمانند: ایران، کره نامتحمل است، براساس این برای تحقق واقعی جهان‌عاری از سلاح هسته‌ای باید به این پرسش پاسخ داد که آیا آمریکا اقدامات کافی‌ای را برای تحقق یک سیستم دفاع موشکی مؤثر انجام داده است، همچنین بدین منظور باید معین شود که برنامه عملیاتی دولت آمریکا برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران در صورت عدم موفقیت تحریم‌ها چیست؟ در

1. Paul Wolfowitz, "What About Iran and North Korea?" Wall Street Journal, 13 April, 2010.

۲. «وال استریت» از مهمترین ژورنال‌های معتبر آمریکایی.



این زمینه باید به این مسئله توجه داشت که چگونه همزمان با کاهش تسلیحات هسته‌ای توان بازدارندگی متعارف برای حفظ صلح و امنیت حفظ کرد. در واقع اگرچه در ۲۱ سال قبل و در هنگام امضای پیمان سالت ۲ این اعتقاد وجود داشت که باید قدرت بازدارندگی متعارف آمریکا بهبود یابد اما هم‌اکنون مهمترین اولویت در قبال توافقنامه جدید هسته‌ای باید تلاش برای جلوگیری از دستیابی تروریست‌ها و نظام‌های غیرمسئول به سلاح‌های هسته‌ای باشد.



عنوان: افسانه توازن ژئواستراتژیک مولن^۱

نویسنده: ویلیام کریستول

منبع: Weekly Standard^۲

نویسنده که از نومحافظه‌کاران برجسته آمریکایی است در این مقاله به انتقاد از سخنان مایک مولن رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا درباره ایران پرداخته است و سخنان وی را احمقانه خوانده است. مایک مولن اخیراً در دانشگاه کلمبیا اظهار کرده بود: «در صورتی که ایران سلاح اتمی در اختیار داشته باشد، این مسئله به شدت بی‌ثبات کننده منطقه خواهد بود. در صورت حمله به ایران نیز این نتیجه، باز هم تکرار خواهد شد ... در منطقه‌ای که در حال حاضر بی‌ثبات است نیازی به بی‌ثباتی بیشتر نیست». ویلیام کریستول معتقد است این تحلیل مولن تفاوت عمده بین این دو سناریو را در نظر نمی‌گیرد:

حتی در صورت تصور برابری بی‌ثباتی، در دو حالت ذکر شده (حمله به ایران و یا سازش با آن کشور) نباید ارزش آنها را یکسان دانست. با انجام سناریوی اول - حمله به ایران - این کشور حداقل در مقطعی فاقد سلاح اتمی می‌شود، در حالی که براساس سناریوی دوم - سازش - برنامه هسته‌ای ایران به پیش خواهد رفت. کدام سیاست ضرر کمتری برای آمریکا خواهد داشت؟ پاسخ مشخص است: حمله به ایرانی که سلاح اتمی ندارد.

نویسنده معتقد است: سؤال این نیست که آیا ما نیاز به بی‌ثباتی بیشتر داریم یا

1. William Kristol, Mullen's Myth of Geostrategic Equivalence, Weekly Standard, April, 2009.

۲. «ویکی استاندارد» از ژورنال‌های مهم وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکایی.



خیر، بلکه سؤال آن است که کدام بی‌ثباتی خطرناک‌تر است، بی‌ثباتی ناشی از سلاح اتمی ایران یا بی‌ثباتی ناشی از حمله به ایران. اکنون زمان تصمیم بین این دو نوع «عدم ثبات» است.



عنوان: ایران و مذاکرات صلح خاورمیانه^۱

نویسنده: ری تکیه

منبع: Council On Foreign Relations^۲

اگرچه تنش میان آمریکا و اسرائیل در مورد شهرک‌سازی و ضرورت آغاز مذاکرات صلح با اعراب می‌تواند، نقش مهمی در مشارکت سازنده اعراب در روند صلح با اسرائیل داشته باشد اما این وضعیت، تأثیری در رویکرد انفعالی اعراب در قبال برنامه هسته‌ای ایران و سیاست آمریکا برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای علیه ایران نخواهد داشت. براساس این، با تداوم اختلاف و شکاف میان اتحاد آمریکا و اسرائیل، موضوع هسته‌ای ایران سخت‌تر و انعطاف‌ناپذیرتر خواهد شد. در واقع، این تصور که اعراب به دلیل سیاست آمریکا در قبال اسرائیل و توقف روند صلح تمایلی به همکاری در قبال سیاست آمریکا علیه ایران ندارند یک برداشت نادرست از تحولات خاورمیانه است. در این زمینه باید توجه داشت که اعراب به‌ویژه شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس سیاست عجیب و بی‌قاعده‌ای در قبال ایران دارند به‌گونه‌ای که از یک‌سو در پنهان و در مذاکرات خود با مقامات آمریکایی از نگرانی‌هایشان در قبال ایران هسته‌ای و جاه‌طلبی‌های آن سخن می‌گویند و در مواردی بر موافقت خود با اقدام نظامی علیه ایران نیز تأکید می‌کنند و به خرید تسلیحات از آمریکا نیز مبادرت می‌ورزند اما آنها در عمل تمایلی به مشارکت در اقدام نظامی علیه ایران ندارند.

1. Ray Takeyh, "ALink to Break: Iran and Mideast Peace Talks", Council on Foreign Relations, 11 April, 2010.

۲. «شورای روابط خارجی» مهمترین نهاد مؤثر در سیاستگذاری خارجی در آمریکاست.



درواقع اعراب بیشتر مایلند نیروهای خارجی بدون مداخله آنان مراقب فعالیت‌های ایران در منطقه باشند این مسئله به‌گونه‌ای است که حتی ممکن است آنان با ایران هسته‌ای نیز مماشات کنند لذا در این میان، ایجاد صلح میان اعراب و اسرائیل نقشی در تغییر نگرش و عملکرد آنان در قبال ایران ندارد. ازسوی دیگر ایران نیز شناخت کامل‌تر و دقیق‌تر از اعراب به نسبت آمریکا دارد. درواقع ایران مطمئن است که اعراب با تحریم شدید اقتصادی یا تقابل دیپلماتیک با ایران همراه نخواهند شد بنابراین اگر ایران بتواند از تهدیدات احتمالی که علیه آن ازسوی همسایگان وجود دارد رهایی یابد می‌تواند از احتمال اقدام نظامی آمریکا علیه خود نیز بکاهد.

در این میان اسرائیل نقش مهمی در محاسبه و ارزیابی استراتژی ایران در منطقه دارد لذا هر چه دامنه تنش میان آمریکا و اسرائیل افزایش یابد احتمال اقدام یک‌جانبه نظامی اسرائیل علیه ایران کاهش یابد. براین‌اساس اگرچه به آمریکا پیشنهاد نمی‌شود که به نقد سیاست‌های اسرائیل نپردازد اما باید آشکارا اعلام گردد که این انتقادات و اختلافات آنان در روند صلح خاورمیانه تأثیری در سیاست مشترکشان در قبال ایران ندارد.



عنوان: تعامل آمریکا و ایران در افغانستان^۱

نویسنده: جیمز هیوز، میر سادات

منبع: Middle East Policy^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی روابط ایران و آمریکا در رابطه با مسئله افغانستان می‌پردازد و دیدگاه‌های مختلف در مورد همکاری ایران با آمریکا در افغانستان را مورد بررسی قرار می‌دهد. به‌نظر وی دو رویکرد عمده در مورد وارد نمودن ایران به مناسبات افغانستان وجود دارد. رویکرد اول موافقان حضور و ورود ایران به صحنه افغانستان هستند. آنها معتقدند جهت کمک ایران به حل مسائل افغانستان باید در ابتدا مشکلات و دغدغه‌های ایران را در نظر گرفت و نمی‌توان بدون لحاظ شرایط ایران، به‌طور یک‌جانبه انتظار کمک ایران را داشت. رویکرد دوم مخالف حضور ایران در افغانستان برای حل مشکلات این کشور است. این عده معتقدند دولت ایران به هیچ‌وجه خود را با خواسته‌های آمریکا خصوصاً در زمینه برنامه هسته‌ای تطبیق نداده و لذا شرایط لازم جهت واگذاری نقش بازیگر در افغانستان را ندارد. نویسنده معتقد است همکاری ایران و آمریکا در افغانستان نه تنها ممکن، بلکه لازم است.

وی می‌نویسد: آمریکا برای ثبات افغانستان و منطقه نیاز به ایران دارد ولی نباید افغانستان به‌عنوان وجه‌المصالحه قرار گیرد. از آنجا که افغانستان به سایر مسائل

1. Mir Sadat, James Hughes, U. S – Iran Engagement Through Afghanistan, Middle East Policy, Vol (NII) N01. Spring 2010.

۲. «سیاست خاورمیانه» از مراکز مهم در حوزه مسائل خاورمیانه می‌باشد.



خاورمیانه مانند منازعه اعراب و اسرائیل پیوند ندارد، لذا امکان رسیدن به توافق بین ایران و آمریکا وجود دارد. آمریکا و ایران، اهداف مشترک زیادی در افغانستان و پاکستان دارند و ایران می‌تواند در زمینه‌های مختلف به آمریکا کمک نماید. این کمک‌ها می‌تواند طیف وسیعی از مسائل از قبیل راه‌های انتقال تجهیزات تا اعمال نفوذ در این مناطق را شامل شود. ایران در گذشته نیز نشان داده است که تمایلات ایدئولوژیک خود را در جهت اهداف عملی کنار گذاشته است. تعامل ایران و آمریکا می‌تواند به ثبات منطقه بهبود اوضاع افغانستان کمک کند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۲۴۴

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۳۵)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

سر ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۳/۹